

وظیفه مرجعیت علمی در عصر غیبت و آینده آن

سجاد سلطانی رضایی سیر^۱، سیاوش بیات^۲

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی ارشد جامعه شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

چکیده

فقه در عصر حاضر با شروع و به بار نشستن نهضت امام خمینی (س)، پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، از پویایی قابل توجه برخوردار شده است. یقیناً بدون مفهوم اعلامیت، روحانیون شیعه به چنین سطحی از اثرگذاری نمی‌رسیدند. مرجعیت علمی و فناوری ایران در پنجاه سال آینده طرح موضوعی همراه با خیال پردازی و رویاسازی نیست بلکه ترسیم واقعیتی است که براساس سند چشم انداز و با عزمی راسخ و استوار از مردم و مسئولین کشور در آینده‌های نه چندان دور برای این مرز و بوم به وجود خواهد آمد. در همین راستا مقام معظم رهبری نیز موضوع مرجعیت علمی کشور را با دورنگری و بصیرت الهی خویش مطرح نموده است. با این وجود، سوال اصلی این است که وظیفه مرجعیت علمی در عصر غیبت و آینده آن چیست؟ فرض بر این است وظیفه مرجعیت علمی در عصر غیبت و آینده آن، فرهنگی و نرم است و در صورت نیاز مقاومتی باید باشد.

کلمات کلیدی: مرجعیت علمی، آینده، عصر غیبت، وظیفه

مقدمه

مرجعیت علمی و فناوری ایران در پنجاه سال آینده طرح موضوعی همراه با خیال پردازی و رویاسازی نیست بلکه ترسیم واقعیتی است که براساس سند چشم انداز و با عزمی راسخ و استوار از مردم و مسئولین کشور در آینده‌های نه چندان دور برای این مرز و بوم به وجود خواهد آمد. از این رو مطالعه و پژوهش در این خصوص و واکاوی عوامل، بسترها، ضرورت‌ها، شاخص‌ها و راهکارهای این مسئله باعث تسهیل و تسریع در روند رسیدن به این هدف ملی شده و ترسیم این افق را ملموس می‌نماید (مرادی، ۱۴۰۱: ۱۲).

در همین راستا مقام معظم رهبری نیز موضوع مرجعیت علمی کشور را با دورنگری و بصیرت الهی خویش مطرح نموده است. حرکت و جهش علمی ما در سال‌های اخیر گویای این واقعیت است که قدرت علمی و ظرفیت‌های نهفته بیشماری داریم که اگر این ظرفیت‌ها در مسیر درست هدایت شود، علاوه بر کسب مرجعیت در سطح بین‌المللی می‌توان از فرصت‌های ایجاد شده آن برای پیشرفت در همه عرصه‌های مختلف علمی استفاده کرد. مرجعیت علمی، بهره‌برداری بهینه از مجموعه منابع کشور برای حرکتی منظم از وضعیت موجود به جایگاه علمی، در قالب نقشه جامع علمی کشور است؛ که نقش مهمی در توسعه و اثربخشی مرجعیت علمی دارد (همان: ۱۴).

با این وجود، از زمان غیبت [حضرت] مهدی، شیعیان از روحانیون محلی حاضر در اجتماع خود پیروی می‌کرده‌اند. وضعیت شیعیان مدت‌ها به نحوی نبود که مرجعیت عام جایگاه محوری پیدا کند، یعنی چنین نبود که تمام شیعیان از یک مرجع فراملی تقلید کنند که اعلم تمام مراجع باشد. روشن نیست دقیقا از چه زمانی اعلامیت شرط تقلید شد و مرجع اعلم، صاحب لقب مرجع عام (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۹).

اجباری که در پیروی از مجتهد اعلم هست موجب شد تعدادی از علما بر حوزه‌ی دینی شیعیان چیره شوند و از آن‌جا که مقلدان موظف به پرداخت وجوهات شرعی به مراجع خود هستند، گونه‌ای از نظام مالی در حوزه‌های علمیه تأسیس شد. در اثر جریان یافتن پول از کشورهای دیگر به سوی حوزه‌ها، علما توانستند طلاب بیشتری را به حوزه‌های علمیه جذب کنند. این طلاب نیز هنگام بازگشت به اجتماع محلی خود مبلغ دیدگاه‌های این مراجع می‌شدند. به این ترتیب قدرت اقتصادی به قدرت اجتماعی بدل شد و قدرت اجتماعی به قدرت سیاسی (محمدی، ۱۳۹۸: ۸۵). یقیناً بدون مفهوم اعلامیت، روحانیون شیعه به چنین سطحی از اثرگذاری نمی‌رسیدند.

چارچوب نظری

روش تحقیق کیفی شامل گردآوری و تحلیل داده‌های غیرعددی برای شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و تجارب مختلف است. منظور از داده‌های غیرعددی مواردی مانند متن، صوت، تصویر یا ویدیو است تحقیقات کیفی بر منابع دسته اول برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، اتکا دارند (الیاسی، ۱۳۹۸: ۴۱).

تحقیق کیفی حوزه‌ای از واقع، در روش تحقیق کیفی هدف شناسایی، طبقه بندی و استخراج مفاهیم براساس مطالعه متون یا مبتنی بر دیدگاه خبرگان است؛ بنابراین ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در روش تحقیق کیفی مصاحبه یا مطالعات کتابخانه‌ای است. بسته به نوع تحقیق باید از ابزارهای مناسب استفاده کرد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۱).

تحلیل کیفی بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در روش مورد بحث دسترسی به اطلاعات؛ یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش، یادگیری فرهنگ آن‌ها، از جمله مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری، زبان و تلاش برای درک احساس، انگیزش و هیجان‌های آن‌ها است. پژوهشگر کیفی، رفتار اجتماعی را به این دلیل درک می‌کند که خود را به‌جای دیگران قرار می‌دهد.

به زعم دی‌مایرز (ترجمه حیدرزاده و مریخی، ۱۴۰۰) طرح پژوهش کیفی یک الگوی ساختارمند است که با تعیین فلسفه پژوهش آغاز می‌شود.

فلسفه پژوهش می‌تواند مبتنی بر عقل‌گرایی، اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی یا انتقادی باشد. البته دی‌مایرز از عقل‌گرایی صرف‌نظر کرده است و عمده تمرکز او بر سه رویکرد دیگر است. همچنین باید این مساله روشن شود که همیشه پژوهش‌های کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیری نیست. پژوهش کیفی می‌تواند با روش اثبات‌گرایی یا انتقادگرایی صورت گیرد. پژوهشگر پیش از هرچیزی باید فلسفه پژوهشی خود را روشن کند و چگونگی معرفت‌شناختی خود را تبیین نماید (مشهدی، ۱۴۱۹:۷۱).

پس از آنکه شیوه شناخت و دستیابی به معرفت پیرامون پدیده مورد بررسی، تعیین شد باید نوع پژوهش مشخص شود. پژوهش می‌تواند با هدف بنیادی، کاربردی یا کاربردی-توسعه‌ای صورت گیرد. در یک پژوهش کیفی اگر هدف دستیابی به تازه‌هایی در علم و معرفت باشد در دسته پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد. اگر هدف پاسخ به یک مساله باشد پژوهش کاربردی خواهد بود و اگر به توسعه یک رویکرد، نظریه یا مدل کمک کند در دسته پژوهش‌های کاربردی-توسعه‌ای قرار خواهد گرفت (شریف رضی، ۱۴۰۱:۱۶).

مرجعیت علمی

واژه "مرجعیت علمی" اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح و موجب شکل‌گیری گفتمانی جدید در حوزه علم و دانش کشور گردید و امروز این واژه، به عنوانی رایج در گفتمان دانشگاهی و علمی کشور ورود پیدا کرده و به صورتی متواتر در اسناد بالادستی بدان اشاره شده است. همچنین در بند ۱۴ سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، بر تحول راهبردی پژوهش علوم پزشکی با رویکرد نظام نوآوری و برنامه ریزی برای دستیابی به مرجعیت علمی در علوم، فنون و ارائه خدمات پزشکی و تبدیل شدن ایران به قطب پزشکی منطقه آسیای جنوب غربی و جهان اسلام، تاکید شده است. در اولین بسته از بسته‌های تحول آموزش علوم پزشکی کشور نیز، بر طراحی نظام رصد حرکت در مسیر مرجعیت علمی در آموزش علوم پزشکی و تدوین نقشه راه تحقق مرجعیت در آموزش علوم پزشکی در افق چشم انداز تاکید شده است (شاکری، ۱۳۹۸:۴۲). در سال‌های اخیر بحث‌های خوبی در زمینه مرجعیت علمی در کشور صورت گرفته و تحلیل‌های قابل قبولی نیز منتشر شده است؛ ولی هنوز در مورد بعضی از اصول مانند تعریف دقیق، مبانی نظری و نقاط قوت و مزیت‌های واقعی کشور و زیرساخت تشکیلاتی و مدیریتی ضروری برای دستیابی به مرجعیت علمی، اجماع وجود ندارد.

باید بپذیریم که شناخت برخی از مفاهیم مثل "مرجعیت علمی" کاری سهل و ممتنع است و آشکار نمودن جنبه‌های مختلف این واژه از پیچیدگی خاصی برخوردار است. برای اینگونه مفاهیم باید ابتدا دید چه مفاهیم دیگری زیر بنای آن را تشکیل می‌دهد و برای مفهوم مورد نظر تعریفی تحلیلی انجام دهیم.

ظهور

انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است... انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلاة والسلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت؛ و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است (الیاسی، ۱۳۹۸:۴۱).

نام امام زمان (عجل‌الله‌الفرج و سلام‌الله‌علیه) و یاد این بزرگوار، دائماً به ما یادآوری میکند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است. انسانها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده میکنند، مأیوس میشوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده‌ی این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی‌آفرینان هستند در دنیا،

و قرنهای متمادی بوده‌اند اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است؛ (ابن‌منظور، ۱۱: ۱۴۰۵) این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ این وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار است: أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعَوْتُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِدًّا غَیْرَ مَكْذُوبٍ؛ وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است. در اول زیارت [هم دارد]: أَلَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ؛ وعده‌ای که تضمین‌شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است. معتقدین به ظهور ولی‌عصر و وجود ولی‌عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمی‌شوند، و میدانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد (جوهری، ۱۲: ۱۴۰۷).

ما مأمور به انتظاریم؛ انتظار یعنی چه؟ انتظار به معنای مترصد بودن است. در ادبیات نظامی یک چیزی داریم به نام «آماده‌باش»؛ انتظار یعنی «آماده‌باش» باید «آماده‌باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، آن‌کسی است که در حال «آماده‌باش» است (ابن‌شعبه حرانی، ۳۷: ۱۴۰۴). اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کلّ جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده‌باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است. انتظار به معنای بی‌صبری کردن و پا به زمین کوبیدن و چرا دیر شد و چرا نشد و مانند اینها نیست، انتظار یعنی باید دائم در حال «آماده‌باش» باشید (مطهری، ۸۹: ۱۳۷۵) این انتظار، مستلزم صلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد میکند. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم بکنیم، طبعاً نمیتوانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم؛ این وظایف چه هستند؟ این همان چیزی است که نیاز دارد به بصیرت، نیاز دارد به معرفت، نیاز دارد به نگرش جهانی، نیاز دارد به روشن‌بینی؛ این آن چیزی است که شما جوان عزیز فعال امروز به آن موظفید (مشهدی، ۷۱: ۱۴۱۹).

وظیفه مرجعیت در عصر غیبت

فقه در عصر حاضر با شروع و به بار نشستن نهضت امام خمینی (س)، پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، از پویایی قابل توجه برخوردار شده است. پرچم دار این تحول امام خمینی (س) بودند که علاوه بر توجه به مسئولیت فقها نسبت به وظایف فردی مسلمانان، به ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام و وظیفه فقه و فقها در قبال امت اسلامی توجه وافر نمودند. از همین جهت بود که با انجام سخنرانی علیه قانون کاپیتولاسیون روش مخالفت صریح و مبارزه آشکار با حکومت پهلوی و حامیان خارجی آن را در پیش گرفتند. این حرکت ابتدا به زندانی شدن ایشان و سپس تبعید به ترکیه و عراق منجر گردید (محمدی، ۸۵: ۱۳۹۸). امام خمینی (س) در دوران تبعید و در نجف اشرف علاوه بر ادامه مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، با تشکیل جلسات درس خارج فقه به بررسی و تألیف و ارائه مبانی نظری تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت آن پرداختند؛ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در جریان تشکیل نظام جمهوری اسلامی و استقرار آن، ابعاد این نظریه را به مناسبت‌های مختلف تشریح نمودند که خلاصه آن در پی می‌آید (فقیه ایمانی، ۴۱: ۱۳۸۱). امام خمینی (س) در باره تکلیف مسلمانان در عصر غیبت و چگونگی اداره امور مسلمین در این دوره، در کتاب ولایت فقیه می‌نویسد: اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دوپست سال بود؟ یا این که اسلام تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود؛ و ما با بی‌حالی دست روی دست بگذاریم که هر کاری می‌خواهند بکنند (طبرسی، ۲۲: ۱۳۶۸)؛ و ما اگر کارهای آن‌ها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم. آیا باید این طور باشد؟ یا این که حکومت لازم است؛ و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (ع) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده

بی شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند (خمینی، ۱۳۷۱:۳).

ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می‌شود، و چندان به برهان احتیاج ندارد به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد، و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. این که امروز به ولایت فقیه چندان توجهی نمی‌شود و احتیاج به استدلال پیدا کرده، علتش اوضاع اجتماعی مسلمانان عموماً، و حوزه‌های علمیه خصوصاً، می‌باشد (جعفرپیشه، ۱۳۸۱:۶).

آینده ظهور

از دیرباز عالمان مسلمان اعم از محدثان، مفسران و متکلمان در آثار خود به موازات دیگر موضوعات و بحث‌های علمی، به گفت‌وگو درباره ظهور مردی از خاندان نبوی، به نام مهدی (عج) پرداخته‌اند که در دوره پایانی جهان و پیش از برپایی قیامت رخ می‌نماید و با ظهور او وضعیت جهان به یکباره دگرگون می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۰۵:۱۱) مطالعه و بررسی روایات اسلامی درباره ظهور و قیام منجی و پیامدهای آن نشان می‌دهد این پدیده موجبات تغییر و تحولاتی عظیم را در شئون مختلف زندگی بشری فراهم آورده، جامعه را در مسیر نیل به سعادت و کمال قرار می‌دهد که نتیجه آن تحقق مدینه فاضله و آرمان‌شهر موعود خواهد بود (اربلی، ۱۹۹۸:۲۸)؛ اما سؤال این‌جاست که پس از این‌که جهانیان برکت حضور امام (عج) را از دست دادند، چه روی خواهد داد؟ آیا حکومت سراسر عدلی که در عصر حضور امام تشکیل شد، پس از ایشان پایدار می‌ماند و تا برپایی قیامت ثبات خواهد داشت، یا نه؛ با فقدان امام، موقعیت جهان متزلزل شده، دچار آسیب می‌شود و سرانجام در اثر روند قهقراپی، قیامت در زمان بدترین مردم برپا خواهد شد (ثقفی، ۱۴۱۴:۳۹) واقعیت این است که اگرچه درباره واقعه بزرگ ظهور و مقدمات و پیامدهای آن پژوهش‌های زیادی صورت گرفته، دامنه همه آن‌ها محدود به زمان حیات منجی شده است و درباره سرنوشت جهان در فاصله پایان زندگی منجی تا وقوع قیامت ابهاماتی وجود دارد. (جوهری، ۱۴۰۷:۱۲). پس از این‌که حضرت ولی عصر (عج) با برپایی قسط و عدل، سعادت را برای بشر به ارمغان آورد و جهانیان از عطر عدالت مهدوی سرمست شدند، زندگی این جهانیان آن حضرت به پایان می‌رسد. در این‌که آیا آن بزرگوار با مرگ طبیعی از این جهان خواهند رفت یا با شهادت، اختلاف وجود دارد. برخی با استناد به روایت امام صادق (عج) که می‌فرماید: «ما منّا الا مسموم أو مقتول؛ هیچ‌یک از ما [اهلبیت] نیست، مگر آن‌که مسموم یا کشته می‌شود»، بیان می‌دارند که اهلبیت (ع) همگی با مقام رفیع شهادت از دنیا می‌روند، نه با مرگ طبیعی و حضرت مهدی (عج) نیز از این امر مستثنی نیست. (حربی، ۱۴۰۷:۹).

به‌طور کلی، برای حاکمیت جهان پس از امام مهدی (عج) سه وضعیت مختلف از روایات قابل استنباط است

— رجعت یا بازگشت معصومین (ع) به دنیا برای به عهده گرفتن رهبری جهان، پس از حضرت مهدی (عج)

— به حاکمیت رسیدن اولیای صالح پس از پایان زندگی امام

— برپایی قیامت، چهل روز پس از پایان زندگی امام (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴:۱۷).

مسئله‌ی جانشینی و آینده‌ی مرجعیت

برای شیعیان، بالاترین مقام مذهبی «مرجع» می‌باشد. صدور فتوا، در اختیار تام مرجعیت است. پس از رهبری [امام] خمینی در انقلاب اسلامی ایران، مشاجرات گسترده‌ای در خصوص نقش آیت‌الله‌ها در حیات سیاسی خاورمیانه در گرفت. [امام] خمینی کنشگران مسلمان زیادی را مثل گروه‌های مسلح در لبنان و عراق برانگیخت؛ زیرا این گروه‌ها او را مرجع خود می‌دانستند (صدوق، ۱۳۹۹:۱۹).

اکثر شیعیان خود را «اثنی‌عشری» یا «امامیه» می‌دانند؛ یعنی با وجود اشتراک غالب باورهایشان با سایر مسلمانان، در مسائل مهمی نیز با آن‌ها اختلاف نظر دارند. شیعیان به خلافت جانشینانی از نسل پیامبر معتقدند، یعنی علی‌ابن‌ابی‌طالب و یازده نفر از فرزندان و نوادگان او (طبری، ۱۴۱۳:۲۴). عنوان «اثنی‌عشری» نیز از این رو است. شیعیان این دوازده امام را معصوم می‌دانند و باور دارند که آخرین امامشان، مهدی، به دستور خداوند پنهان شده‌است. [حضرت] مهدی موعودی است که جهان را از بی‌عدالتی پاک خواهد کرد. او پس از آغاز غیبت در نامه‌ای پیروان خود را به عالمان دینی ارجاع داده است، یعنی کسانی که دانش دینی دارند (فقها) (طریحی، ۱۴۰۸:۶۸). از این رو، شیعیان روحانیون را تا هنگام ظهور [حضرت] مهدی جانشین امامان می‌دانند. از این رو این طبقه در تشیع نقش مهمی دارند، در حالی که اهل سنت نقش کمی برای روحانیون قائلند. اهل سنت به تعیین حاکمان از سوی خدا معتقد نیستند بلکه دوام ملل مسلمان را در حکمرانی یک حاکم قدرتمند می‌دانند. به این ترتیب تا جایی که حاکم، اصول اسلام را زیر سوال نبرده باشد، همه حتی روحانیون باید مطیع او باشند (غازی، ۱۴۱۸:۵۹). این است که نقش روحانیون سنی محدود به تفسیر قانون شریعت و مشروعیت‌بخشی به دولت است در سلسله‌مراتب روحانیون شیعه دانش فقه، دانش برتر است. از این رو طبقه‌ی نخبه‌ی دینی در این سلسله‌مراتب متشکل از مجتهدانی است که حق صدور فتوا دارند. هر مجتهدی نیز می‌تواند به درجه‌ی مرجعیت تقلید برسد و خود را مرجع اعلام کند، هرچند که این عمل تضمین‌کننده‌ی وجود مقلد نیست (کلینی، ۱۴۰۵:۷). دو معیار مهم برای رسیدن به مرجعیت و داشتن مقلدان متعدد، عالم‌بودن و داشتن شخصیت بی‌عیب و نقص است. امروزه، مهم‌ترین شهرهای مرجعیت شیعه نجف و قم هستند و آیت‌الله‌های ایرانی در هر دو مکتب غالبند. بیشتر شیعیان جهان مقلد مراجع این دو کشورند؛ از راهنمایی‌های معنوی و فقهی آنان بهره برده و به نمایندگان آن‌ها خمس می‌پردازند (مرادی، ۱۴۰۱:۱۲).

وقایع اخیر ایران و عراق جایگاه مرجع عام را بیش از پیش بالا برده است، به نحوی که نه تنها اقتدار مذهبی، بلکه، در مقایسه با پاپ در مذهب کاتولیک، نقش سیاسی پررنگ‌تری نیز یافته است. نهضت تنباکوی ایران (۱۸۹۱ م.) یکی از اولین نمونه‌های یک فتوای فراملی است. آیت‌الله محمدحسن شیرازی (۹۵-۱۸۱۵ م.) که در آن زمان مرجع علم ایران بود شاه را وادار به لغو امتیاز تنباکو کرد. همچنین انقلاب مشروطه‌ی ایران (۱۱-۱۹۰۵ م.) و شورش عراق (۱۹۲۰ م.) توسط مراجع عام رهبری شدند (الیاسی، ۱۳۹۸:۴۱). به این ترتیب آغاز قرن بیستم نقطه‌ی عطفی در ایفای نقش سیاسی توسط آیت‌الله‌های فراملی بوده است.

عامل دیگر در شکل‌گیری مرجعیت فراملی، افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف بود. اینان در نیمه‌ی اول قرن بیستم به اجتماعات محلی خود بازگشتند. از میان این فارغ‌التحصیلان تعدادی مدافع تقلید از مراجع اعلی بودند که احتمال می‌رفت در آینده جایگاه مرجع عام نجف یا قم را به خود اختصاص دهند (جعفرپیشه، ۱۳۸۱:۶).

تشخیص مرجع علم برای عموم شیعیان آسان نیست. در واقع هیچ معیار قطعی مکتوبی وجود ندارد که نشان دهد هر روحانی پس از کسب درجه‌ی اجتهاد، در چه مرتبه‌ای از مراتب مجتهدان قرار می‌گیرد. عموم شیعیان گوش به توصیه‌ی عالمانی دارند که قادر به تشخیص این امر هستند. این عالمان هم غالباً از رئیس حوزه یا مرجع هم‌پیمان خود طرفداری می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۵:۸۹).

جایگاه مرجع هم مستقل است، هم نهادمحور. مردم از مرجع به عنوان یک فرد عالم تقلید می‌کنند؛ اما روحانیونی که در خدمت یک مرجع‌اند، باید بر اساس جایگاه خود در نظام سلسله‌مراتبی آن مرجع، عمل کنند. مرجع فراملی و نمایندگانش به هم وابسته‌اند، یعنی از یک طرف این مرجع در حوزه‌ی علمیه برتری خود را اثبات می‌کند و از طرف دیگر نمایندگان محلی از او طرفداری کرده و مردم را به تقلید از وی ترغیب می‌کنند. در نظر، مرجع نسبت به نمایندگان برتری دارد، اما در عمل، مردم به خاطر طرفداری نمایندگان از مرجع عام تقلید می‌کنند. از این رو مرجع، همچنان نیازمند حامیانی است که از او تقلید کرده و به فتواهای او عمل کنند (عمیدی، ۱۳۸۲:۴۸).

تعیین اولین مرجع فراملی، دشوار است. شیخ انصاری (۶۴-۱۸۰۰ م.) مرجع برجسته‌ی قرن نوزدهم بود. کتاب مهم او، مکاسب المحرمه، در سطوح بالای حوزه‌ی علمیه آموزش داده می‌شود و مراجع بعدی بارها بر این کتاب شرح نوشته‌اند. از زمان شیخ

انصاری تاکنون، همواره میان شیعیان مرجع عامی بوده که اکثریت مؤمنان در سراسر جهان از او تقلید می‌کرده‌اند (کوفی، ۱۴۱۲:۱۱).

مرجعیت علمی و زمینه ظهور

عوامل ظهور به چیزهایی گفته می‌شود که زمینه ظهور امام زمان (عج) را فراهم می‌کند و از علل ظهور آن حضرت محسوب می‌گردند. در این زمینه باید گفت: هر چند عامل اصلی ظهور امام زمان (عج) "اراده الهی" است، ولی آنچه که انسان‌ها به عنوان زمینه‌سازی ظهور، می‌توانند انجام دهند، از بین بردن زمینه‌هایی است که موجب غیبت آن حضرت شده و ایجاد آمادگی در خود است (طریحی، ۱۴۰۸:۶۸). این آمادگی نیز با انجام وظایف و تکالیفی که بر عهده آنها است بویژه تکالیف زمان غیبت مثل: انتظار فرج، دعا، صبر، خودسازی، رشد فکری، اجتماعی به دست می‌آید. البته این آمادگی باید متناسب با پذیرش حکومت جهانی باشد؛ یعنی عمومیت داشته و گسترده باشد و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی ایشان مهیا باشد (طبری، ۱۴۱۳:۲۴).

پیامبر (ص) در حدیثی که در منابع معتبر و مستند شیعه و سنی آمده، فرموده‌اند: «أفضل الأعمال أمتی إنتظار الفرج؛ برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.» با این وجود هنوز هم گاهی در حل مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی دست به دامن ابزارها و روش‌هایی غیر از توجه به ضرورت فرج و ظهور امام زمان (عج) هستیم. این بی‌توجهی ما به اندازه‌ای است که علما و دانشمندان دینی و اهل دل که از قلب مبارک آن امام معصوم و صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باخبر می‌شوند (طبرانی، ۱۴۰۶:۱۸). در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «شیعتنا أصبر منا، لأننا نصر علی ما نعلم، و شیعتنا یصبرون علی ما لا یعلمون» به این معنا که شیعیان ما از ما صابتر هستند زیرا ما برای آنچه می‌دانیم صبر می‌کنیم ولی آن‌ها بر آنچه نمی‌دانند، صبر می‌کنند (راوندی، ۱۴۰۵:۸).

لذا در این باره باید گفت: هر چند عامل اصلی ظهور امام زمان (عج) "اراده الهی" است، ولی آنچه که انسان‌ها به عنوان زمینه‌سازی ظهور می‌توانند انجام دهند، ایجاد آمادگی در خودشان است؛ چون هر انقلاب و نهضتی که برای هدف معینی به وجود می‌آید، در صورتی پیروز است که زمینه‌های آن از هر جهت فراهم باشد، در غیر این صورت انقلاب با شکست روبرو خواهد شد قیام امام زمان (عج) هم از این قاعده مستثنا نیست و در صورتی می‌تواند پیروز شود که شرایط آن فراهم گردد (طبرسی، ۱۳۶۸:۲۲). پس آمادگی مردم از علل و عوامل مهم ظهور است؛ یعنی عموم مردم خواستار آن حضرت باشند و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی ایشان مهیا باشد؛ به عبارت دیگر، باید عوامل اختیاری و قابل تغییر غیبت آن حضرت را بر طرف نمود. توضیح این که بر اساس آنچه در روایات، در باره عوامل غیبت آمده، برخی از آنها در اختیار ما نیست و قابل تغییر نمی‌باشد؛ مانند:

الف - بیعت کسی بر عهده آن حضرت نباشد.

ب - محافظت ایشان از خطر کشته شدن.

ج - آزمایش الهی

د - علل ناشناخته (عمیدی، ۱۳۸۲:۴۸).

چنان که بعضی از روایات بیانگر این نکته‌اند که امامان معصوم از علت اصلی غیبت آگاه‌اند، اما مأمور به بیان آن نیستند؛ لذا سر بسته و به طور اجمال حکمت‌هایی از آن‌را بیان کرده‌اند. دلیل این ادعا روایت عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق است که امام به وی فرمود: برای صاحب امر غیبتی است که چاره‌ای از آن نیست. هر مبطلی در آن شک می‌کند. به او گفتم: فدایتان شوم، (غیبت) برای چیست؟ فرمود: برای امری که اجازه کشف آن‌را برای شما نداریم. گفتم: حکمت غیبت او چیست؟ فرمود: حکمت غیبت او همان حکمت غیبت حجت‌های خداوند قبل از او است. حکمت آن کشف نمی‌شود، مگر بعد از ظهور او. همان‌طور که حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن پسر و برپایی دیوار توسط حضرت خضر برای حضرت موسی (ع) کشف نشد مگر هنگام جدایی آنها (راوندی، ۱۴۰۵:۸).

روشن است که این عوامل در اختیار انسان‌ها نیست تا بتوانند تغییر دهند اما برخی دیگر از عوامل غیبت قابل تغییر است. چنان‌که در برخی از توقیعات شریفه به این مسئله اشاره شده است که بی‌وفایی مردم و گناهان آنان زمینه‌ساز غیبت حضرت حجت شده است:

اگر خداوند به شیعیان ما توفیق همدلی در وفای به عهده‌ی که بر ایشان است عنایت می‌فرمود، دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و در سعادت مشاهده ما با معرفتی شایسته و درست شتاب می‌شد. چیزی ما را از ایشان محبوس نکرده است، مگر اعمال ناخوشایند و ناپسندی است که از آنها به ما می‌رسد (ابن شعبه حرانی، ۳۷: ۱۴۰۴). مضمون این توقیع آن است که بی‌وفایی شیعیان نسبت به عهد و پیمان با آن حضرت موجب طولانی‌تر شدن غیبت و حرمان از وصال شده است. پس همدلی شیعیان در وفای به عهد [آن حضرت] می‌تواند عاملی برای تعجیل در ظهور باشد.

حضرت غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف عجب صبری دارد با اینکه از تمام آنچه که ما می‌دانیم و یا نمی‌دانیم اطلاع دارد و از همه امور و مشکلات و گرفتاری‌های ما با خبر است. خود حضرت هم منتظر روز موعود است و خودش می‌داند که چه وقت ظهور می‌کند. اینکه گفته می‌شود که آن حضرت وقت ظهورش را نمی‌داند، درست نیست (ابن طاووس، ۶۲: ۱۴۱۴).

حکومت ولایی و دینی امری بایسته است که ائمه (ع) بارها با تعبیر گوناگون بر ضرورت آن پای فشرده‌اند. امام علی (ع) در نامه خود به مردم مصر، اساسی‌ترین نگرانی خود را درباره‌ی جامعه آن می‌داند که سفیهان و فاجران قدرت و حکومت را به دست گیرند و ولایت سیاه شیطانی خود را اجرا کنند و مردم را به بردگی و بندگی وادارند. امام (ع) می‌فرماید:

به خدا سوگند اگر تنها با دشمنان روبه‌رو شوم، در حالی که آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، نه باکی دارم، و نه هراسی... لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، حکومت را به دست آورند. آن‌گاه مال خدا را دست به دست می‌گردانند و بندگان او را به بردگی می‌کشند و با نیکوکاران می‌جنگند و فاسقان را همراهی می‌کنند. روشن است که عبارت «سفیهان» ناظر به جاهلان و بی‌خردانی است که از فقاقت و بصیرت دینی به دورند و «فجار» نیز مفسدانی‌اند که از تقوا و دیانت بی‌بهره‌اند. به دیگر معنا مهم‌ترین دغدغه‌ای که امام (ع) به مصریان گوش‌زد می‌کند آن است که مراقب باشند مبدا حکومت و قدرت از میان اهل فقاقت، عدالت و کفایت رخت بریندد (ابن ماجه، ۱۸: ۱۴۱۲).

امام (ع) در ادامه به آسیب‌شناسی این امر می‌پردازد و آثار ویران‌گر حکومت شیطانی دین‌ستیزان یا دین‌گریزان را برمی‌شمرد: چپاول اموال الهی، بردگی بندگان الهی، ستیزه‌جویی با ابرار الهی و دل‌جویی از دشمنان الهی. سپس امیرمؤمنان (ع) یاد آور می‌شود که اگر این‌گونه خطرات و حوادث فتنه‌گون نبود، شما را بر نمی‌انگیختم و سرزنشان نمی‌کردم و شما را به گردآوری عده و عده تشویق نمی‌کردم و آن‌گاه که سر باز می‌زدید، رهایتان می‌کردم (ابن منظور، ۱۱: ۱۴۰۵).

تاریخ اسلام به خوبی به یاد دارد که وقتی پس از سقیفه حکومت و قدرت از مدار ولایت فاصله گرفت و نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با دوری از چشمه‌ی قرآن و عترت رو به خشکی نهاد و حکم و حکومت بر اساس اجتهاد و بدعت پایه‌ریزی شد، چگونه تاریخ اشک ریخت و از سینه‌های آن خون چکید. امیرمؤمنان (ع) در نهج‌البلاغه اوضاع اسف‌بار این برهه را چنین به تصویر می‌کشد: به خدا سوگند که در آن روزها مردم دچار خبط و خطا، چموشی و سرکشی، دورویی و نفاق و در نهایت درج‌زدن و عرض‌پیمایی (به جای طول‌پیمایی و طی مسیر) شدند و من در این زمان دراز در گرداب محنت شکیبایی می‌ورزیدم (اربلی، ۲۸: ۱۹۹۸).

بنابراین، عقل و نقل تلاش مجاهدانه یک ملت را برای دفع یا رفع تسلط و حکومت طاغوتی و شیطانی و استقرار حکومت ولایی امری لازم و حیاتی می‌داند و با توجه به قراین دیگر نظیر احادیث «حوادث واقعه»، مقبوله عمر بن حنظله و «مجاری الامور» می‌توان گفت که مهم‌ترین و بارزترین مصداق عهد میان امام زمان (عج) و مردم، قیام و مجاهدت آنان برای تحقق حکومتی ولایی است که می‌تواند در دو حوزه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری زمینه‌های ظهور مهدی (عج) را فراهم نماید؛ چراکه اگر ملتی بتواند طاغوت و امام جائز زمان خود را در هم بشکند، دست به بزرگ‌ترین جهاد زده و با برداشتن این منکر بزرگ یا بزرگ‌ترین منکر راه را برای بت‌شکنی‌های دیگر فراهم می‌کند (اسکافی، ۶۲: ۱۴۱۵).

هم‌چنین این مهم می‌تواند با ترویج و توسعه تفکر زوال‌پذیری طواغیت در میان جهانیان، زمینه‌های فکری و عملی ظهور منجی را تسریع بخشد. در اندیشه بزرگانی چون امام خمینی (ره) می‌توان تبلور این معنا را به خوبی لمس نمود. او اصلاح و گسترش روحیه خداجویی و عدالت‌محوری را از یک سو و طاغوت‌ستیزی و به چالش کشاندن استکبار جهانی را از سوی دیگر، مهم‌ترین کارکرد حکومت ولایی می‌شمارد و اجتماع و تلاش مردم را برای تحقق این امر ضروری و واجب می‌داند (جعفرپیشه، ۱۳۸۱: ۹).

مرجعیت علمی و آینده روشن

مرجعیت علمی واجد حکومت ولایی قادر است با ابزار قدرت و سازوکارهای موجود، فرد و جامعه را به سوی آینده‌ای روشن نوید دهد و در راستای بسترسازی ظهور گام‌های بلندی بردارد. این بسترسازی‌ها می‌تواند در دو حوزه نقش آفریند (شریف رضی، ۱۴۰۱: ۱۶).

معرفتی و فرهنگی

از عوامل زمینه‌ساز ظهور ایجاد بیداری عمومی و ارتقای سطح معرفتی افراد است. این‌که امام زمان (عج) در کلامی خطاب به محمد بن علی بن هلال کرخی از عدم بینش و بصیرت در برخی از محبان و شیعیان ابراز ناراحتی می‌کند: «یا محمد بن علی قد آذانا جهلاء الشیعة و حمقاؤهم، و من دینه جناح البعوضه أرجح منه»، (طبرسی، ۱۳۶۸: ۲۸۹) می‌تواند دربر دارنده این پیام باشد که یکی از وظایف منتظران حضرت، افزایش بعد معرفتی و دین‌شناختی آنهاست.

از این رو هرچه سازوکارهای توسعه و تعمیق معرفت و عقلانیت در جوامع بیشتر باشد، نرخ رشد توسعه و تعمیق افزون‌تر و در نتیجه زمینه‌ها برای پذیرش و گرایش به منجی سریع‌تر فراهم می‌گردد. در مقابل، حکومت‌های طاغوتی که ولایت شیطنی دارند، سازوکارها و امکانات حکومتی را در راستای گمراهی و ابهام‌زایی و در نتیجه زمینه‌سوزی ظهور به کار می‌بندند. امام علی (ع) موارد و شگردهای معاویه را برای رسیدن به قدرت و انحراف شامیان، سانسور خبری معاویه و تلاش او برای انحراف افکار عمومی از حق و اهل آن برمی‌شمارد و نتیجه این امر را نیز هلاکت جاهلان و بی‌خبران به دست خود ذکر می‌کند (عمیدی، ۱۳۸۲: ۴۸).

دانشمندان مسلمان مسئله هدایت‌بندگان را از شئون امام (ع) می‌دانند. پس اگر هر کس یا گروهی به توفیق الهی بتواند وسیله هدایت گروهی شود، در واقع، آن حضرت را در امر دین و تبلیغ آن و باروری عقول و قلوب یاری کرده و با این عمل نصرت الهی را محقق نموده است و طبق آیه *إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ* (محمد: ۷) خداوند را یاری و خداوند نیز آنها را یاری خواهد نمود. (فقیه ایمانی، ۱۳۸۱: ۳۵) مجموعه این‌گونه اقدامات می‌تواند در زمینه‌سازی مصلح جهانی نقش بیافریند

در این میان حکومت ولایی می‌تواند با قدرت و امکانات وسیع رسانه‌ای که در اختیار دارد، فرهنگ ولایی و انتظار را در سطح منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تبلیغ کند و با به راه انداختن یک دانشگاه بزرگ، معارف و ارزش‌های فطری اسلام را به گوش جهانیان برساند و اذهان و افکار عمومی را به سوی حقیقت مهدوی رهنمون نماید.

انقلاب اسلامی ایران با پریایی حکومتی ولایی توانسته است گام‌های خوبی را در این راستا بردارد. امام خمینی (ره)، معمار کبیر این انقلاب، بیداری و معرفت‌بخشی عمومی را اولین گام در تحقق اهداف والا برشمرده و پیروزی ملت‌های مسلمان و مستضعف را در گرو این مهم می‌داند (محمدی، ۱۳۹۸: ۸۵).

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مغرب زمین، درباره تحول نرم معرفتی و دینی که انقلاب اسلامی در دنیا به راه انداخته است، می‌نویسد: در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر با کم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه هشتاد با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم یعنی فرآیند عمومی جهان روند معکوس را آغاز کرده و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (شاکری، ۱۳۹۸: ۴۲).

از سوی دیگر استراتژیست‌های بزرگ غرب مانند ژوزف نای و شوارتز اصلی‌ترین عنصر قدرت نرم یک کشور در دنیای کنونی را عنصر فرهنگی می‌بینند. آنها اساسی‌ترین شاخصه‌های عنصر فرهنگی را چنین می‌شمارند:

- ۱ - ایدئولوژی جذاب
- ۲ - ارزش‌های پایدار و جهان‌شمول
- ۳ - هنجارهای مقبول
- ۴ - انسجام و هم‌سانی نسبی نگرش‌ها و بینش‌های شهروندان
- ۵ - کاهش تعارضات و اختلافات افراد جامعه
- ۶ - داشتن الگوهای مقبول و مطلوب (جعفرپیشه، ۱۳۸۱: ۱۵).

جالب آن‌که با تأمل و واکاوی در شاخصه‌های مذکور می‌توان به خوبی دریافت که در میان حکومت‌ها و نظام‌های موجود جهان، بهترین و مناسب‌ترین نظامی که می‌تواند این شاخصه‌ها را در خود گرد آورد، حکومت ولایی است؛ چرا که اساساً نظام ولایی بر اساس توحید و یگانه‌پرستی و مطابق فطرت انسان‌ها استوار بوده و ظرفیت ایجاد یک قدرت نرم منحصر به فرد را دارد. اقتدار فرهنگی حکومت ولایی خود می‌تواند موجبات تقویت منابع دیگر قدرت نرم مانند دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی قدرت نرم را رقم زند (شاکری، ۱۳۹۸: ۴۲).

به عقیده هاینس جفری در کتاب مذهب، قدرت نرم و روابط بین‌الملل، ایران نخستین انقلاب مدونی بود که برتری و تفوق ایدئولوژیکی، اشکال سازمانی هدایت افراد و اهداف مورد ادعایش همه مذهبی بودند که اصول آن برخاسته از قرآن و سنت است (صدوق، ۱۳۹۹: ۱۹).

حکومت ولایی تقویت برخی دیگر از شاخصه‌های زمینه‌ساز ظهور را نیز به همراه خود دارد که از جمله آنها می‌توان به تزریق روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در ملت‌ها و احیای روح جهاد و شهادت اشاره نمود که تجلی بارز این دو شاخصه را می‌توان در عرصه‌های علمی و دفاعی ایران مشاهده نمود. بر این اساس از کارکردهای مهم حکومت ولایی ایجاد زمینه‌های معرفتی و روحی ظهور منجی است که با قدرت نرم خود سطوح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را پوشش می‌دهد (مرادی، ۱۴۰۱: ۱۲).

مقاومت

حکومت ولایی می‌تواند از حیث مقاومت نیز مقدمات ظهور را فراهم کند؛ چرا که بر اساس آموزه‌های قرآن به‌ویژه آیه *وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا سَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ* (انفال: ۶۰) جامعه و حکومت ولایی موظف است تمام توان خود را در تجهیز و تقویت امکانات و آلات نظامی و دفاعی به کار گیرد تا با قدرت بازدارندگی بالا، تهدیدات و تعرضات احتمالی دشمنان را دفع کند (غازی، ۱۴۱۸: ۵۹).

از سوی دیگر در روایات اسلامی سخن از آن است که در زمان غیبت علاوه بر آمادگی فکری، آمادگی فیزیکی و دفاعی نیز امری بایسته و شایسته است. برای مثال در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «لِيَعِدَّنَّ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا؛ مؤمن این آمادگی را در خود ایجاد نماید، ولو با ذخیره یک تیر.» (نعمانی، بی‌تا: ۳۲۰) بنابر این دست از روایات، ایجاد چنین سازوکارهایی حتی به اندازه یک تیر می‌تواند به نوعی در تعجیل امر فرج نقش بیافریند.

این موضوع می‌تواند بیان‌گر نقش عظیم حکومت ولایی در زمینه‌سازی ظهور باشد؛ چرا که حکومت ولایی نه با یک تیر و هزار تیر، بلکه در آن یک کشور با تمامی امکانات و قوای هوایی، زمینی و دریایی آماده و در خدمت مهدی موعود بوده و پایگاهی بس بلند را برای یاری او فراهم خواهد نمود. بی‌تردید ایجاد این پایگاه انسانی و دفاعی، منتظران و زمینه‌سازان ظهور را در سراسر جهان، امیدوارتر و استوارتر و دشمنان و زمینه‌سوزان ظهور را مأیوس‌تر و متزلزل‌تر خواهد کرد (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۹).

هم‌چنین مرجعیت علمی قادر است با عینیت بخشیدن و اجرایی نمودن شاخصه‌های جامعه مدنی و انسانی که بر اساس الگوی اسلامی پایه‌ریزی می‌شود، اذهان جهانیان را با شگفتی و شیفتگی متوجه خود نماید که چنین حکومتی خود در انتظار حکومت ولایی دیگری است که از حیث کمی و کیفی بسی زیباتر و والاتر از آن خواهد بود (محمدی، ۱۳۹۸: ۸۷).

برای مثال پیش‌رفت و توسعه عدالت‌محور حکومت ولایی در حوزه‌های اقتصادی، رفاهی، آبادانی و عمرانی و از سوی دیگر مبارزه با فساد و ناهنجاری‌های اخلاقی و اقامه امر به معروف و نهی از منکر، جهانیان را به سوی این تفکر رهنمون خواهد کرد که حکومت دینی نه تنها در تعارض با علم و پیش‌رفت و اخلاق نیست، بلکه اساساً حاکمیت دینی و ولایی می‌تواند موجبات تعمیق و توسعه علوم، اخلاقیات و پیش‌رفت را در یک جامعه رقم زند (فقیه ایمانی، ۱۳۸۱: ۴۱).

هم‌چنین اشتیاق جهانیان به حکومت ولایی زمانی مضاعف می‌شود که آنان دریابند در آرمان‌شهر حکومت مهدوی که برخاسته از حکمت ولایی است، شاخصه‌های انسانی به اوج خود خواهد رسید و اوضاع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی به گونه‌ای خواهد بود که تاریخ بشر همواره آنها را از مقوله آرمان‌ها و ایده‌آل‌های دست‌نیافتنی خود می‌پندارد. جالب آن‌که در روایات اسلامی این تصویر آرمانی از اوضاع حکومت مهدوی به خوبی نمایان شده است (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۸).

از این رو، جوشش و خروش مردم ایران به رهبری فقیهی آگاه و شجاع و تشکیل حکومتی ولایی را می‌توان عمل به بارزترین مصداق عهد پیش‌گفته میان امام (عج) و مردم و گامی بلند در زمینه‌سازی ظهور قلمداد نمود؛ چرا که نظام و منشور فکری این حکومت برخاسته از آن حکومت آرمانی است و بررسی‌های میدانی و موردی نشان می‌دهد که این حکومت توانسته است تاکنون برای زمینه‌سازی، گام‌های شایانی را در دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بردارد (محمدی، ۱۳۹۸: ۸۵).

شاید برخی از روایات که در آنها از قیام مردمی مؤمن از مشرق زمین و زمینه‌سازی آنها برای ظهور حضرت حجت (عج) سخن به میان آمده، ناظر به حکومت ولایی در ایران باشد. از رسول خدا (ص) نقل شده است: مردمی از شرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی (عج) را فراهم می‌سازند (طبری، ۱۸۷۹: ۵۵).

بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران که بر پایه ولایت فقیه سامان یافته، ضمن درهم شکستن دو هژمونی فکری رایج در دنیا یعنی کمونیسم و لیبرالیسم و اقامه حکومت ولایی، چشم جهانیان را به خود خیره و موجبات بیداری و استکبارستیزی را در عالم رقم زده است. هم‌چنین پیش‌رفت‌های کمی و کیفی کم‌نظیر ایران در حوزه‌های علمی و تکنولوژیک، باعث شد که صدای شیپور استکبار در باب تعارض علم، دین و حکومت برای گوش جهانیان کم‌اثر یا بی‌اثر گردد و از سوی دیگر گفتمان تعاضد دین و دنیا و الگوی حکومت دینی و ولایی رو به گسترش نهاد (شاکری، ۱۳۹۸: ۴۷).

امام خمینی (ره) در راستای ارتقای سطح معرفتی یاران و افزایش آمادگی آنان، به اهداف بلند انقلاب اسلامی پرداخت و تصریح نمود: «به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدرانان است، تا پای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم‌الاولیا و الاولیا، حضرت بقیة‌الله - روحی فداه - فراهم سازید.» (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۲۰، ۳۸) بر این اساس، امام راحل (ره) ابلاغ دکتترین حکومت ولایی و صدور آن را در میان جهانیان، زمینه‌ساز ظهور می‌دانست و در جای دیگر می‌فرمود:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست؛ انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند (مرادی، ۱۴۰۱: ۱۲).

نتیجه گیری

واژه "مرجعیت علمی" اولین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح و موجب شکل گیری گفتمانی جدید در حوزه علم و دانش کشور گردید و امروز این واژه، به عنوانی رایج در گفتمان دانشگاهی و علمی کشور ورود پیدا کرده و به صورتی متواتر در اسناد بالادستی بدان اشاره شده است. در سال‌های اخیر بحث‌های خوبی در زمینه مرجعیت علمی در کشور صورت گرفته و تحلیل‌های قابل قبولی نیز منتشر شده است؛ ولی هنوز در مورد بعضی از اصول مانند تعریف دقیق، مبانی نظری و نقاط قوت و مزیت‌های واقعی کشور و زیرساخت تشکیلاتی و مدیریتی ضروری برای دستیابی به مرجعیت علمی، اجماع وجود ندارد. فقه در عصر حاضر با شروع و به بار نشستن نهضت امام خمینی (س)، پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، از پویایی قابل توجه برخوردار شده است. پرچم دار این تحول امام خمینی (س) بودند که علاوه بر توجه به مسئولیت مرجعیت علمی نسبت به وظایف فردی مسلمانان، به ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام و وظیفه فقه و فقها در قبال امت اسلامی توجه وافر نمودند. عوامل ظهور به چیزهایی گفته می‌شود که زمینه ظهور امام زمان (عج) را فراهم می‌کند و از علل ظهور آن حضرت محسوب می‌گردند. در این زمینه باید گفت: هر چند عامل اصلی ظهور امام زمان (عج) "اراده الهی" است، ولی آنچه که انسان‌ها به عنوان زمینه‌سازی ظهور، می‌توانند انجام دهند، از بین بردن زمینه‌هایی است که موجب غیبت آن حضرت شده و ایجاد آمادگی در خود است. این آمادگی نیز با انجام وظایف و تکالیفی که بر عهده آنها است بویژه تکالیف زمان غیبت مثل: انتظار فرج، دعا، صبر، خودسازی، رشد فکری، اجتماعی به دست می‌آید. البته این آمادگی باید متناسب با پذیرش حکومت جهانی باشد؛ یعنی عمومیت داشته و گسترده باشد و افکار عمومی برای تأیید و پشتیبانی ایشان مهیا باشد جامعه ولایی واجد حکومت ولایی قادر است با ابزار قدرت و سازوکارهای موجود، فرد و جامعه را به سوی آینده‌ای روشن نوید دهد و در راستای بسترسازی ظهور گام‌های بلندی بردارد. این بسترسازی‌ها می‌تواند در دو حوزه نقش آفریند معرفتی و فرهنگی و مقاومت. از عوامل زمینه‌ساز ظهور ایجاد بیداری عمومی و ارتقای سطح معرفتی افراد است. از این رو هرچه سازوکارهای توسعه و تعمیق معرفت و عقلانیت در جوامع بیشتر باشد، نرخ رشد توسعه و تعمیق افزون‌تر و در نتیجه زمینه‌ها برای پذیرش و گرایش به منجی سریع‌تر فراهم می‌گردد. در مقابل، حکومت‌های طاغوتی که ولایت شیطانی دارند، سازوکارها و امکانات حکومتی را در راستای گمراهی و ابهام‌زایی و در نتیجه زمینه‌سوزی ظهور به کار می‌بندند. در این میان مرجعیت علمی می‌تواند با قدرت و امکانات وسیع رسانه‌ای که در اختیار دارد، فرهنگ ولایی و انتظار را در سطح منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تبلیغ کند و با به راه انداختن یک دانشگاه بزرگ، معارف و ارزش‌های فطری اسلام را به گوش جهانیان برساند و اذهان و افکار عمومی را به سوی حقیقت مهدوی رهنمون نماید. مرجعیت علمی می‌تواند از حیث مقاومت نیز مقدمات ظهور را فراهم کند و مرجعیت علمی موظف است تمام توان خود را در تجهیز و تقویت امکانات و آلات نظامی و دفاعی به کار گیرد تا با قدرت بازدارندگی بالا، تهدیدات و تعرضات احتمالی دشمنان را دفع کند. این موضوع می‌تواند بیان‌گر نقش عظیم مرجعیت علمی در زمینه‌سازی ظهور باشد؛ چرا که مرجعیت علمی نه با یک تیر و هزار تیر، بلکه در آن یک کشور با تمامی امکانات و قوای هوایی، زمینی و دریایی آماده و در خدمت مهدی موعود بوده و پایگاهی بس بلند را برای یاری او فراهم خواهد نمود. بی‌تردید ایجاد این پایگاه انسانی و دفاعی، منتظران و زمینه‌سازان ظهور را در سراسر جهان، امیدوارتر و استوارتر و دشمنان و زمینه‌سوزان ظهور را مأیوس‌تر و متزلزل‌تر خواهد کرد.

منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تحقیق: جواد قیومی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۵، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۵. اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمه، ج ۳، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۵ م.
۶. اسکافی معتزلی، ابی جعفر، المعیار و الموازنه، تحقیق: محمدباقر محمودی، بی جا، بی تا، بی نا، بی تا.
۷. الیاسی، محمدحسین، «ماهیت و عناصر قدرت نرم»، مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم، تهران، نشر ساقی، ۱۳۹۸ ش.
۸. بحر العلوم، سید محمد مهدی، الفوائد الرجالیة، ج ۳، تهران، مکتبۃ الصادق، ۱۳۶۳ ش.
۹. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، ج ۱، بی جا، بهمن، بی تا.
۱۰. جعفرپیشه، مصطفی، ولایت فقیه، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. جوهری، اسماعیل، الصحاح، تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. حاکم نيسابوری، محمد، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. حربی، ابراهیم بن اسحاق، غریب الحديث، تحقیق: سلیمان العاير، جده، دار المدونه، بی تا.
۱۴. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه الامام المهدی (ص)، بی تا.
۱۷. شاکری زواردهی، روح الله، منجی در ادیان، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود (ص)، ۱۳۹۸ ش.
۱۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۴۰۱ ش.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، صفات الشیعه، تهران، نشر عابدی، بی تا.
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، بی تا.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، نجف، دارالنعمان، ۱۳۶۸ ق.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (شیعی)، دلائل الامامه، قم، مؤسسۃ البعثه، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۸۷۹ م.
۲۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق: سید احمد حسینی، بی جا، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: سیدحسن خراسان، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۲۶. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علی زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. غازی، داود بن سلیمان، مسند الرضا (ع)، تحقیق: محمدجواد حسینی جلالی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۸. فقیه ایمانی، محمدباقر، شیوه های یاری قائم آل محمد (ص)، قم، انتشارات عطر عترت، ۱۳۸۱ ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۱، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۳۰. کوفی، محمد بن سلیمان، المناقب، تحقیق: محمدباقر محمودی، ج ۱، بی جا، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۷، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۳۲. محمدی، یدالله، «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) در تولید قدرت نرم»، مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم، تهران، نشر ساقی، ۱۳۹۸ ش.
۳۳. مرادی، حجت‌الله، قدرت و جنگ نرم، تهران، نشر ساقی، چاپ اول، ۱۴۰۱ ش.
۳۴. مشهدی، ابن‌محمد، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۳۵. مطهری، مرتضی، جهان‌بینی توحیدی، تهران، صدرا، ۱۳۷۵ ش.